

## عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی اندیشه های عرفانی مولانا و قونوی درباره انسان کامل با تکیه بر مثنوی و فکوک

## محل انتشار:

مجله عرفانیات در ادب فارسی، دوره 10، شماره 41 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

## نویسندگان:

ابراهیم رحیمی زنگنه - Razi university, Kermanshah. Iran

مریم حسینی زرگوش - Razi university, Kermanshah. Iran

## خلاصه مقاله:

انسان، خلیفه خداوند بر روی زمین است و مهمترین شاخصه وجودی او، حرکت به سمت کمال است. توجه به انسان کامل و شناخت آن، از موضوعاتی است که از قدیم مورد توجه ادیان و مذاهب مختلف بوده است. انسان کامل در عرفان، مانند آئینه ای است که دارای دو چهره است: در یک چهره آن اسماء و صفات الهی تجلی می کند و حق سبحانه خود را در آن مشاهده می کند و در چهره دیگر آن، عالم هستی را با تمام اوصاف و کمالات وجودی نشان می دهد. چنین انسانی در عالم عرفان، خود عالمی است (عالم صغیر) و مجموع جهان، انسان کبیر است و میان این دو، هماهنگی وجود دارد. قونوی و مولانا از شگفتی های تبارانسانی هستند که آراء و اندیشه های عرفانی آن ها در کتب فکوک و مثنوی، همانند خورشیدی درخشان در آسمان معارف انسانی می درخشد. آنچه مسلم است این دو عارف بزرگ با یکدیگر ملاقات کرده و در ارتباط بوده اند. در پژوهش حاضر با استفاده از محوریت مباحث مطرح شده در باب انسان کامل، در اندیشه عرفانی قونوی و مولانا به تشریح و تبیین افکار این دو عارف والا مقام پرداخته و اشتراکات و افتراقات اندیشه عرفانی آنان بررسی شده است.

## کلمات کلیدی:

Narratology, time, mood, tone, Gerard Genette, Paulo Coelho, عرفان, انسان کامل, قونوی, مولوی, فکوک, مثنوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1724700>

